

بنام پروردگار روز قلم

ایچا سرزمین

۱۰۰ داستان ۱۰۰ صد رایگان

سید ماشاالله جعفر نیا

عنوان : بی سرزمین

نویسنده : سید ماشاءالله جعفرنیا

رایانامه نویسنده : roozeghalam@gmail.com

طرح روی جلد : ناشر مولف ۰۹۱۵۱۰۶۹۵۰۲

تیراژ : ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۳

قطع : رقعی

اپ : ۳۱۲۵۰۵۲

قیمت : ۱۰۰۰ تومان

کتابی : ۹۶۴-۰۶-۹۴۰۹-۶

- سرشناسه : جعفرنیا، ماشاءالله، ۱۳۳۰ -
- عنوان و نام پدیدآور : بی سرزمین : ۹ داستان / نویسنده سید ماشاءالله جعفرنیا.
- مشخصات نشر : مشهد : ماشاءالله، ۱۳۹۳.
- مشخصات ظاهری : ۷۲ ص.
- شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۶۴-۰۶-۹۴۰۹-۶
- وضعیت : فبیا
- فهرست نویسی : یادداشت
- یادداشت : چاپ قبلی : ماشاءالله جعفرنیا، ۱۳۸۵ (۱ ص).
- موضوع : داستان های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
- رده بندی کنگره : PIR ۸۰۰۳ / ۶۷۱۴۶۶ ب ۹ ۱۳۹۳
- رده بندی دیویی : ۳/۶۲۲۸
- شماره : ۳۴۵۴۰۷۷
- کتابخناسی ملی :

تقدیم به روح پدرم و فداکاری مادرم

مقدمه

از شوخی که بگذریم، در محیط هنری سرد مشهد، هر حرکتی قطعاً از بی حرکتی بهتر است حتی اگر کمی عجیب به نظر برسد خصوصاً اگر بتواند تنور فعالیت‌های هنری و ادبی را کمابیش گرم کنند که انگار این کلاس‌های داستان نویسی، به شهادت تعداد بازدیدکنندگان، تا حدودی توجیه بود بر سرمای سال‌ها فائق آید.

اما اشاری فرهنگ بریتانیا در مورد واژه «داستان کوتاه» این طور توضیح داده: «جنبشی که در اواخر دهه ۱۹۵۰ در عرصه هنرها، به ویژه نقاشی و موسیقی در آمریکا پا گرفت و بارزترین مشخصه آن، پدید بر سادگی بیش از حد و توجه به نگاه عینی و خشک بود. آثار این هنرمندان گسسته از تمامی تصادف پدید می‌آمد و گاه زاده‌ی شکل‌های هندسی ساده و مکرر بود. داستان کوتاه در ادبیات، سبک، یا گونه‌ای ادبی است که بر پایه فشردگی افراطی و ایجاز بیش از حد محتوای اثر، شنیده می‌شود. آنها در فشردگی و ایجاز تا آنجا پیش می‌روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کم‌ترین و کوتاه‌ترین شکل بماند. به همین دلیل فرهنگی واژگانی و کم حرفی از محرز ترین ویژه گی‌ها در این باره به شمار می‌رود. « موافقان و مخالفان چه می‌گویند؟ ریموند کارور، آن بیتی، و تریس مک‌کارتی از پایه گذاران موج نوی داستان کوتاه آمریکای شمالی‌اند. داستان‌های این نویسندگان، موجز، غیر مستقیم، واقع‌گرا یا فوق واقع‌گرا، سرد و بی روح در سطح، با طرح و توطئه کم‌رنگ است. بیشتر منتقدان آن‌ها را به خاطر حذف همه زواید و ایجاز شدید در روایت داستان، نقل گفت و گو، توصیف و توضیح‌ها ستایش می‌کنند؛ اما از طرف دیگر گروهی به آن‌ها ایراد می‌گیرند که با لغت‌زدن در داستان و زدن همه شاخ و برگ‌های اضافی، لطف و نمک و روح داستان را می‌گیرند. بنابراین مدعیان این است برای ستودن یا محکوم کردنش، برجسب‌های لوس و مختلفی بزنند. رئالیسم سوپرناتورال، مینی آدامس بادی شیک، مینی مالیزم پیسی کولایی، نوهمینگویسم بدوی پسا مدرن و پسا مدرنیسم پس از ویتنام. فردریک بارتمی که خود متعلق به مکتب داستان کوتاه است: اتهاماتی را که به داستان کوتاه می‌زنند، به این صورت خلاصه کرده است:

۱ - حذف ایده‌های فلسفی بزرگ ۲ - مطرح نکردن مفاهیم تاریخی ۳ - عدم موضع‌گیری سیاسی ۴ - عمیق نبودن شخصیتها به اندازه کافی ۵ - توصیف ساده و پیش پا افتاده ۶ - یکنواخت بودن سبک ۷ - بی توجهی به جنبه‌های اخلاقی ، او ادامه می‌دهد : « خیلی عجیب است . اگر داستان همه چیزها را نداشته باشد و به این خوبی باشد که اینها می‌گویند ، پس این داد و فریادها به خاطر چیست ؟ » چرا داستان کوتاه به وجود آمد ؟ جان بارت شرایطی را که داستان کوتاه نویسان واقع‌گرای آمریکای دهه هفتاد و هشتاد را تحت تاثیر قرار داده بود چنین بر می‌شمارد : ۱ - چهره دمغ و پکر ملی پس از پایان جنگ ویتنام ۲ - بحران انرژی دهه ۱۳۷۳ که کم و بیش با تب داغ جنگ ویتنام هم زمان شد . (مثلا اتومبیل‌های کم مصرف عوغا به پا کردند) ۳ - زوال ملی خواندن و نوشتن در میان نوآموزان نویسندگی و همچنین استادان ، که ثمره دستگاه مدارس آسان گیر و نیز جامعه ای هستند که سلیقه‌ها در سرگرمی‌های روزمره و نمایشی‌اش ، بیشتر از سینما و تلویزیون مایه می‌گیرند تا از ادبیات . ۴ - به موازات این زوال بر سه خوانندگان هم مدام کم می‌شود ، گویی در حال سقوط آزاد است . ۵ - واکنش در برابر مبالغه بی‌فایده آمریکایی ، چه تجاری و چه سیاسی . قبل از جنبش فرمالیستی و پیدایش داستان کوتاه نویسندگان بسیاری به ایجاز سفارش کرده‌اند ، منتها این داستان کوتاه نویسان بودند ، او بار بار این شعار را سرلوحه و اساس کار خود قرار دادند : یعنی کم هم زیاد است . ادگار آلن پو می‌گوید داستان کوتاه را باید بشود در یک نشست خواند . در تمام اثر نباید واژه ای باشد که جذابیت آن ، با طرح اثر بیگانگی کند ، باید از این دراز نویسیهایی که تمامی ندارد خودداری کرد . مارک واینر به نویسنده ای سفارش کرده « از حشو و زواید پرهیز کن » . هنری جیمز گفته یک کلمه بیشتر از آنچه به قدرت ضروری است ، نگویند . چخوف معتقد است اگر در داستان‌تان تپانچه ای می‌آورید باید تپانچه داستان حداقل یک بار شلیک کند و همینگوی می‌گوید : « اگر از حذفی که می‌کنید منتهی نگردید ، بهر حال قسمت حذف شده ، یک باره قدرت بیشتری به داستان می‌دهد . » داستان نویس داستان کوتاه نویسی شروع می‌کند و باید پله به پله این صراط مستقیم را بپیماید تا به اوج داستان نویسی برسد و بدون نپیمودن این راه امروز به هیچ مکانی و جایی از داستان نویسی نرسد و نخواهد رسید

((نویسنده گمنام))